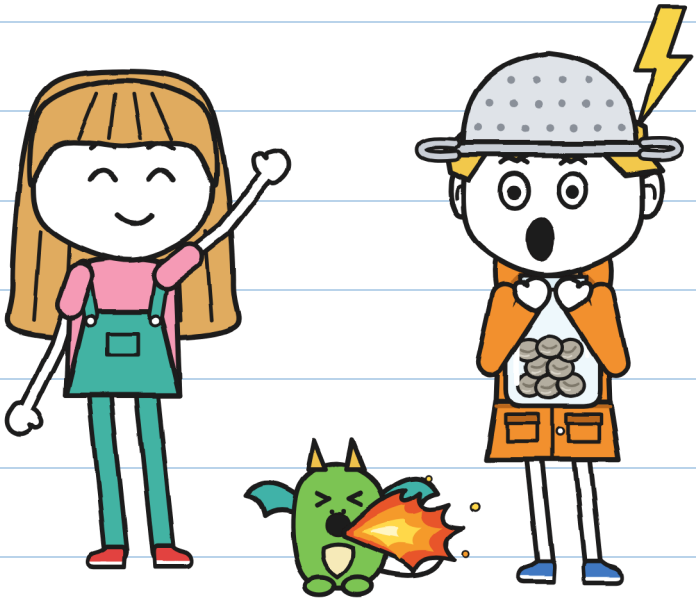
تحویل‌های غیرممکن ۲۰

# پیش از رعد باز نکنید

Lui Eriksson



(سال گاس)

اندازه XS
نوخوانان ۵۰+

# تحویل‌های غیرممکن ۰ 2
# پیش از رعد باز نکنید

متن و تصویرها: Lui Eriksson

اندازه XS ۰ نوخوانان ۰ ۵+

نسخهٔ فارسی: LinguAula

چاپ اول: 2026

© 2026 Lui Eriksson ۰ info@linguaula.com

فتوکپی آن آزاد است، برای کلاس و برای خانه.

دومین کتاب مجموعه. اولی: «این بسته گاز می‌گیرد».

LinguAula

هر فصل را در linguaula.com تمرین کن

هیچ رعدی آسیب ندید. — خ.



این کتاب مال:

خصوصی

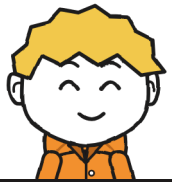
مال هیچ کس دیگر نیست. — خ.

اگر این را پیدا کردی، پیش از رعد بازش نکن.

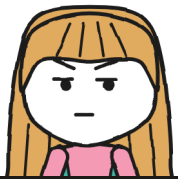
فقط در داستان

فقط در داستان. تو نه. — خ.

# کی کیست؟



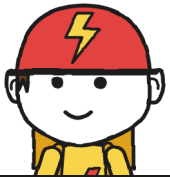
گاس، شکارچی طوفان.



خولیتا با رنگ سبز می‌نویسد.



ریزه، بچه‌اژدها.



تونیو، پیک برق‌آسا.



فلورا، باغبان.



ورا از اژدهاها مراقبت می‌کند.



مارا، جادوگر.

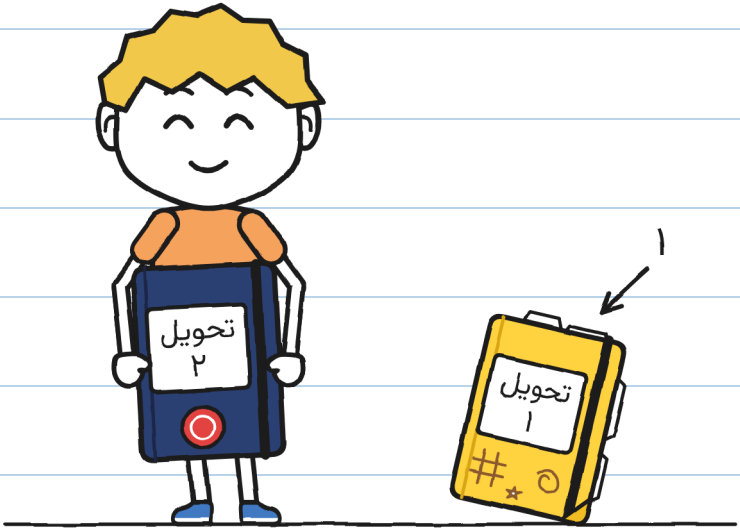


ر. بسته‌ها را می‌فرستد.

# دفتر تحویل ۲
# مال گاس

رسمی.

«ر سمی»: اول من می‌خوانم. – خ.




دفتر ۱ تمام شد. مارا این را به
من داد. می‌گوید نقاشی نمی‌کنند.

فصل 1

# شکارچی طوفان

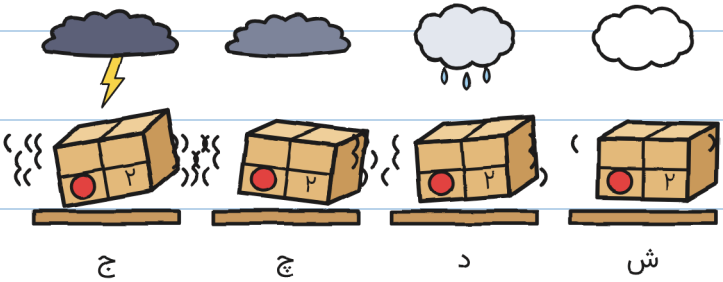
یک بسته در مغازهٔ مارا می‌لرزد.

به آن دست نمی‌زنم.

ریزه، بچه‌اژدها، از من تقلید می‌کند.

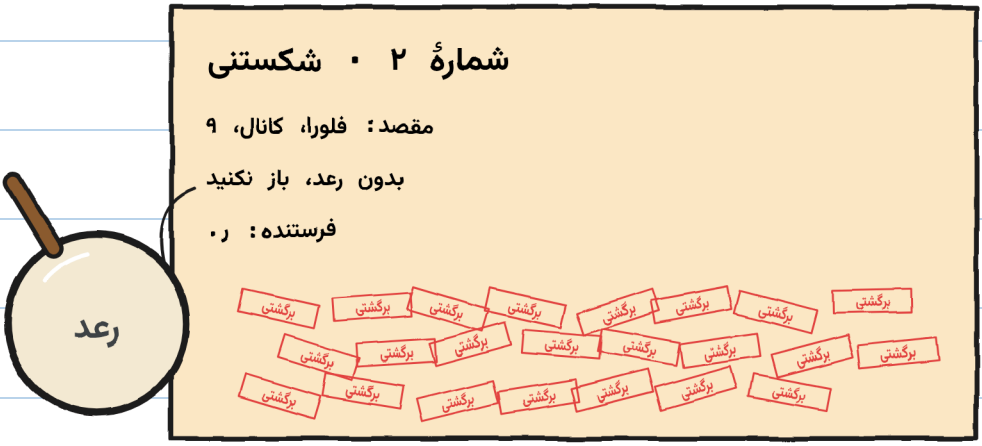
نوزده بستهٔ برگشتی مانده.

لرزسنج
شمارهٔ ۲




شنبه طوفان می‌آید. — خ.

هر کس بستهٔ برگشتی را بگیرد باید امضا کند. وگرنه در سپیده‌دم برمی‌گردد.




روی شمارهٔ ۲ بیست و سه مُهر بود.

دو بار شمردمشان — خ.

مارا گفت: «بیست و سه بار بردمش.» هیچ‌کدام با طوفان.

مارا با شمارهٔ ۲ منتظرمان
بود. تونیو هم آن‌جا بود.
مارا گفت: «این را شما تحویل
می‌دهید.» امروز بعدازظهر.




خولیتا خیلی بلند پرید.

مارا سه شرط گذاشت.

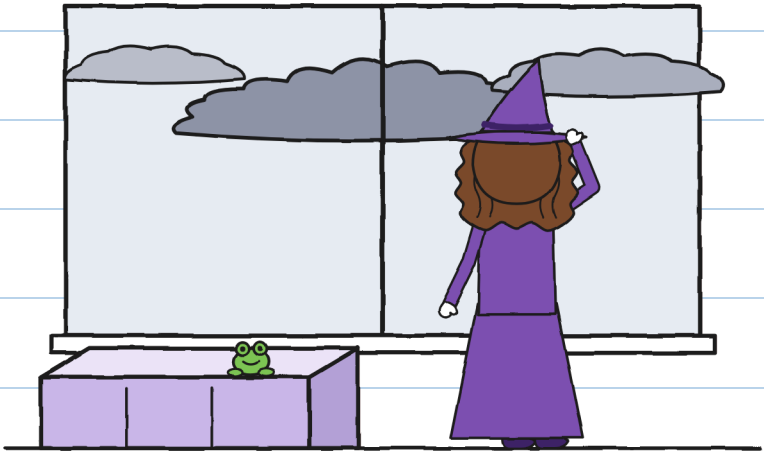
1. راه افتادن: ساعت پنج.

2. خانواده‌ها خبر دارند.

3. باز کردن با رعد.

خولیتا پرسید: «تو نمی‌آیی؟»

مارا گفت: «کار دارم.» و به آسمان خاکستری نگاه کرد.



چه کارهایی؟ – خ.

خولیتا به من نگاه کرد.

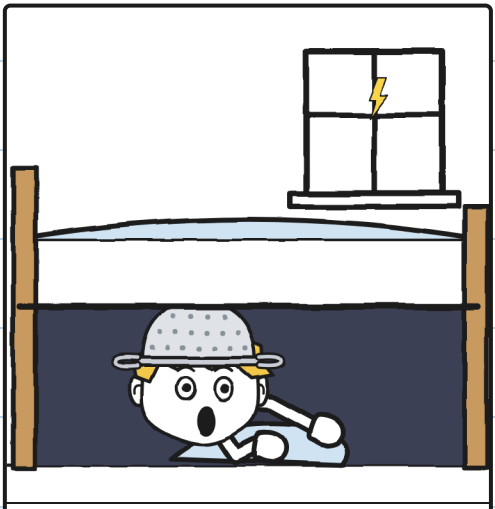
پرسید: «طوفان دوست داری؟»

و من همان حرف همیشگی را زدم:

گفتم: «عاشقشان هستم. در محلهٔ قبلی شکارچی طوفان بودم.»



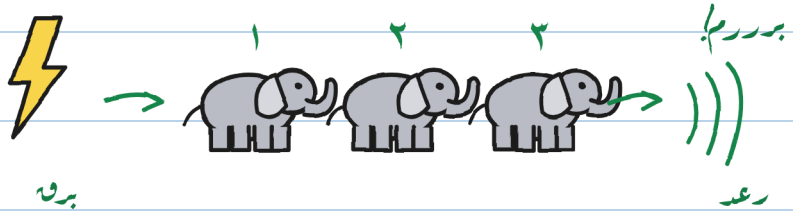
چیزی که گفتم



چیزی که شد

شکارچی زیر تخت. — خ.

خولیتا به من یاد داد طوفان را بشمارم.




یک فیل، دو فیل...

۱ فیل = ۱ ثانیه

۳ فیل = ۱ کیلومتر

۰ فیل = درست بالای سرمان!

این بسته را باز می‌کند. ↖
رعدهای دور نه.

فیل بیشتر، دورتر.

رعد: زیر سقف!

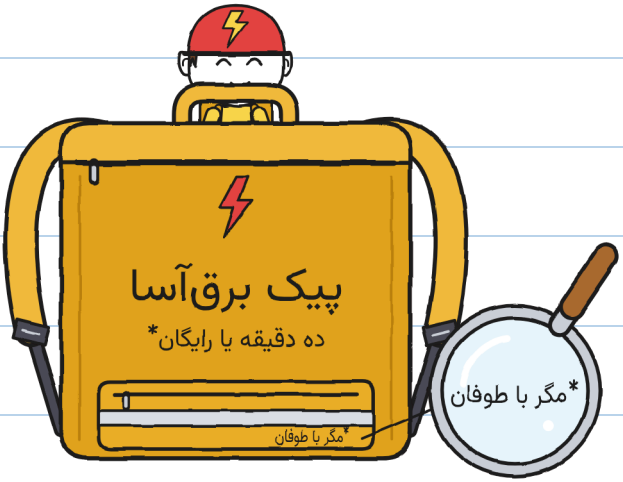
دانستن، کمتر می‌ترساند. — خ.

من لازم نداشتم. ولی یادداشتش کردم.

تونیو خط ریز را خواند.

گفت: «برق‌آسا با طوفان تحویل نمی‌دهد.»

خولیتا گفت: «هنوز نه.»




و او هم آمد.

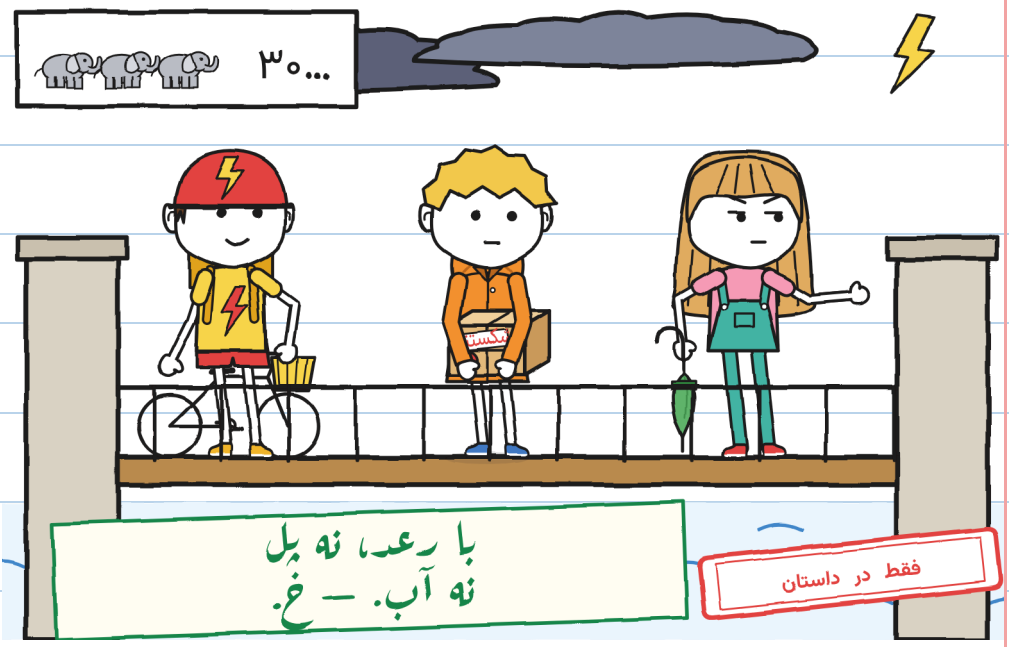
ساعت پنج از خیابان رد شدم و رفتم خانه.

مامان گفت: «آخر تو وقتی رعد می‌زند...»

داد زدم: «خداحافظ، مامان!»

جی؟ – خ.

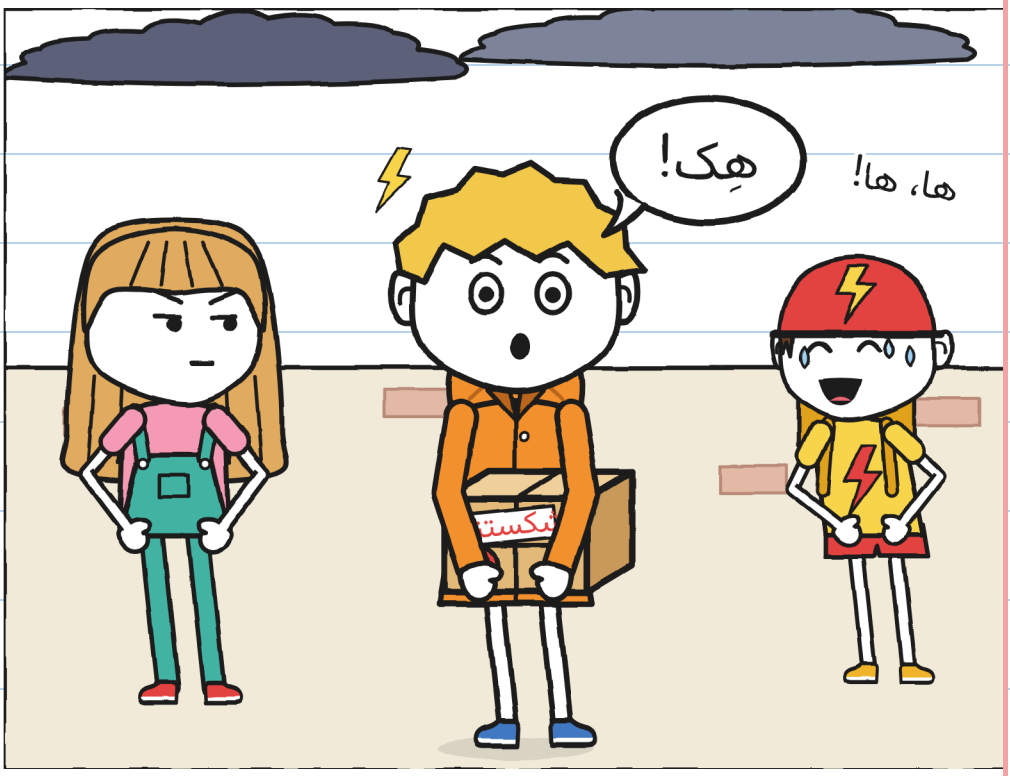
از پل بزرگ رد شدیم. خولیتا خیلی جدی برای آب دست تکان داد.




خولیتا سی فیل شمرد. برررم.

تونیو گفت: «حالا باز می‌شود؟»

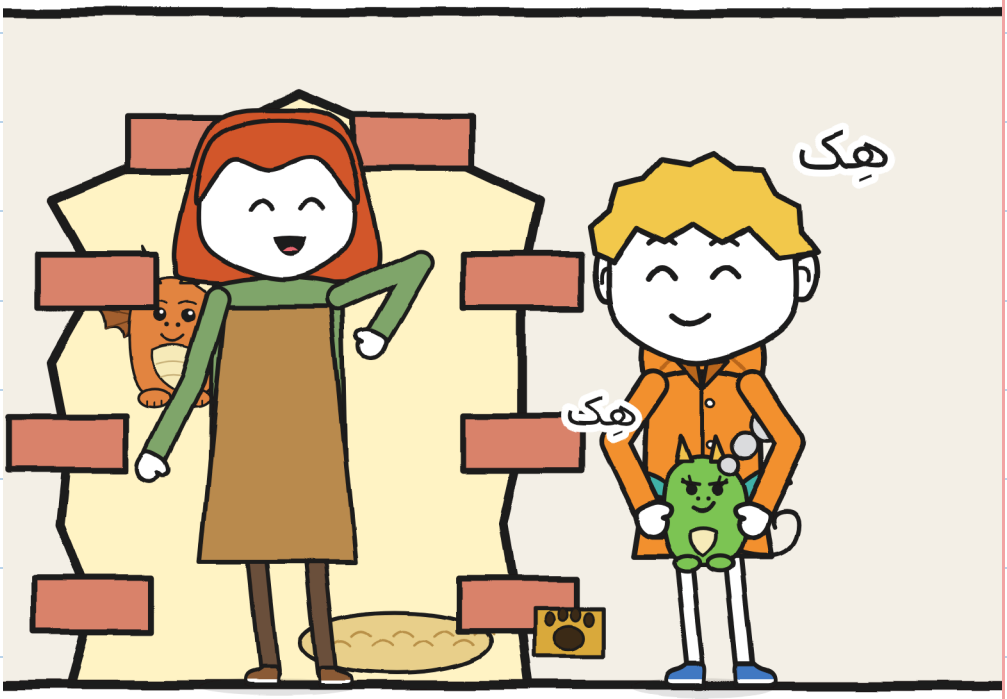
خولیتا گفت: «این بسته
را باز نمی‌کند.» زیر سقف!




با هر رعد سکسکه‌ام می‌گیرد. ترس نیست.

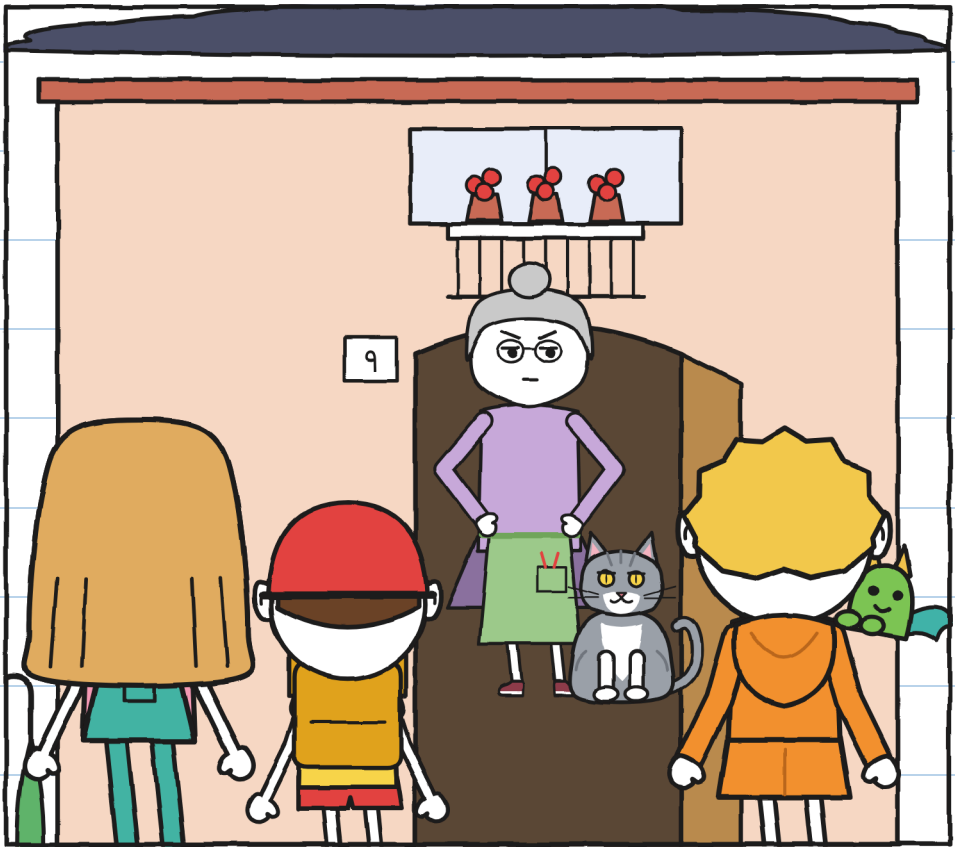
اسمش ترس است. — خ.

ورا با ریزه منتظرمان بود.
گفت: «همه‌چیز را از تو
تقلید می‌کند، گاس.»




رعد غرید. من هِک کردم، ریزه هم.
ورا گفت: «بروید تو، زود!»

خانهٔ فلورا همان خانهٔ شمعدانی‌هاست.




فلورا در را باز کرد.

گفت: «بیایید تو. من

سنگ را امضا نمی‌کنم.»

# یک داستان، شش اندازه

## شش اندازه هست، از 3 تا 16 سال، و بیش از 20 زبان.

اندازه XXS · PRE-A1
خولیتا دانهٔ شمارهٔ هفت را می‌گیرد.

اندازه XS · A1
یک دانه روی زمین مانده بود. خولیتا آن را گرفت. هفت.

اندازه S · A2
برق دیگر: روی زمین فقط یک دانه مانده بود. خولیتا آن را گرفت. هفت.

اندازه M · B1
با برق بعدی فقط یک دانه مانده بود و خولیتا آن را گرفت. هفت.

اندازه L · B2
وقتی دوباره برق زد، روی زمین فقط یک دانه مانده بود و خولیتا آن را گرفت. هفت.

اندازه XL · B2-C1
رمان مصور ۰ ۱۳+
سطح‌ها طبق چارچوب مرجع مشترک اروپایی تقریبی‌اند.

همان طوفان. — خ.

برای خانواده‌ها و معلمان

هر فصل را در linguaula.com تمرین کن